

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لئونید ساوین

برگردان از: ا. م. شیر

۲۶ فبروری ۲۰۱۲

چه کسی باند موسوم به «ارتش آزاد سوریه» را مسلح می کند

مجله امریکائی «سیاست خارجی» (Foreign Policy) در مقاله ای تحت عنوان «مسأله سوریه»، به صراحت می نویسد: «حمله نظامی ناتو به لیبیا با مجوز سازمان ملل متحد و پول قطر، اینک می تواند در سوریه تکرار شود، ایالات متحده امریکا و متحدان ناتوی آن با تسلیح ارتش آزاد سوریه به اجرای همین سناریو مشغولند». همه اینها به عقیده نویسنده امریکائی، در چهارچوب دکترین «مسئولیت حفاظت» سازمان ملل متحد به اجرا گذاشته می شود. در عین حال، مؤلف با احتیاط چنین نتیجه گیری می کند که یک تصمیم نادرست در باره سوریه می تواند به پیامدهای بسیار جدی منجر شود.

درست زمانی که پارلمان اروپا در ۱۶ فبروری با تصویب قطعنامه ای از روسیه می خواهد از فروش هر گونه سلاح و تجهیزات نظامی به سوریه خودداری نماید، در امریکا هیاهوی تحویل سلاح به هر کسی که برای سرنگونی بشار اسد تلاش می کند، بلندتر شنیده می شود. جون مک کین برای «تسلیح اپوزیسیون» اصرار دارد و الیوت آدامس، عضو با نفوذ شورای روابط بین الملل در مصاحبه با سی ان ان (CNN) ضمن پشتیبانی اکید از موضع او، می گوید: «من خواهان دادن پول به آنها (اپوزیسیون سوریه. ل. س.) هستم و من خواهان تحویل سلاح به آنها هستم».

در هر حال، منظور از این فراخوانها، پرده پوشی است. در این که دولت بارک اوباما در مسأله سوریه، ضمن تأمین و تجهیز مخالفان بشار از طریق کشور ثالث هم با پول و هم با اسلحه، عملاً بازی دو گانه می کند، تردید نیست. ایالات متحده امریکا در طول ۲۰ سال اخیر بزرگترین فروشنده سلاح به کشورهای خاورمیانه بوده و تقریباً نیمی از همه تسلیحات و تجهیزات جنگی امریکا به این منطقه صادر می شود.

عنصر اصلی این بازی جنجالی، عبارت از ارتباط «ارتش آزاد سوریه» با تروریستهای اسلامی و سازمانهای جاسوسی غرب می باشد. «ارتش آزاد سوریه» شاخه نظامی شورای ملی سوریه، مخالف رژیم بشار اسد است و از سوی یکسری کشورهای غربی به رسمیت شناخته می شود. البته این مسأله که این «ارتش» از سوی خود اپوزیسیون به عنوان سازمانی تبلیغ می شود که از متمردان و فراریانی از نیروهای مسلح سوریه تشکیل یافته، بخشی از واقعیت است. در صفوف آن، مجاهدان عرب قاتل سربازان امریکائی و متحدان آن در عراق و افغانستان و همچنین، مزدورانی از دیگر کشورها که پس از شروع مناقشات به سوریه اعزام شدند، می جنگند. اخیرا رهبر جدید القاعده، ایمن الظواهری، مسلمانان ترکیه، عراق، لبنان، اردن و کشورهای دیگر را برای ارائه هر گونه کمک به «برادران سوری» فراخواند.

مقر «ارتش آزاد سوریه» در ترکیه واقع است و در ماه نومبر سال گذشته در حدود ۶۰۰ نفر «جندالله» وابسته به القاعده لیبیا به رهبری عبدالحکیم بالحاج به آن پیوستند. به اساس ادعای خوزه ماریو ازنار، نخست وزیر سابق اسپانیا بالحاج به سازماندهی عملیات تروریستی ۱۱ ماچ سال ۲۰۰۴ مادرید متهم است. المهدی هتاری لیبیائی که تا قبل از پیوستن به «القاعده»، در ایرلند اقامت داشت، در میان برخی گروه های شبه نظامی در سوریه در نزدیکی مرز ترکیه دیده شده است. وی، فرمانده تیم طرابلس بود و در شورای طرابلس فرد شماره دو بعد از بالحاج به حساب می آمد. هتاری، پس از استعفاء در لیبیا، اعلام کرد که می خواهد به سر زندگی خود در ایرلند باز گردد ولی از ترکیه سر در آورد و از آنجا نیز در رأس یک گروه شبه نظامی به اراضی سوریه وارد شد. تری میسان می نویسد که هتاری وابسته به گروه مبارزان مسلمان لیبیا می باشد که رسماً در لیست سازمانهای تروریستی امریکا قرار دارد، و در ماه جون سال ۲۰۱۰ در میان فعالان مدافع فلسطین در کشتی «ماوی مرمهر» حضور داشت (مأموران امنیتی سازمانهای جاسوسی امریکا نیز در میان هیأت های این کشتی حضور داشتند). هنگام حمله نیروهای ویژه اسرائیل به کشتی، او مجروح گردید و ۹ روز در زندان اسرائیل به سر برد و سپس آزاد شد.

در سایتهای اینترنتی جهادگرایان اطلاعات زیادی در باره سازماندهی شبه نظامیان و تسلیح آنها در سوریه برای جنگ با دولت این کشور درج شده است. این امر از کشورهای عربی همسایه و ترکیه جریان می یابد. در سایت «انصار المجاهدین» منبع اطلاع رسانی بین المللی شبه نظامیان اسلامی، متن دعوت به جهاد علیه سوریه درج شده (در آنجا، از جمله، ویدئو فلم وهابیون روسیه نیز درج شده است) و یکی از آنها به نام نصرالدین الحسنی می نویسد، که امیر ابو اسامه المجاهر در عملیات مرز عراق و سوریه کشته شد. ۱۲ فبروری، همام سعید، رهبر «اخوان المسلمین» در اردن نیز به جهاد علیه دولت سوریه فرمان داد و پیوستن به «ارتش آزاد سوریه» را جزء «وظایف اسلامی» خواند.

افرائیم هالوی، رئیس سابق سازمان جاسوسی اسرائیل موساد، سوریه را پاشنه آشیل ایران نامید. او، از این کشور به عنوان مرکزی نام برد که ایران از طریق آن حوزه نفوذ خود را گسترش می دهد و «کمینترن کوچکی» نامید که حزب الله، قدرت اصلی در لبنان و حماس در رأس نوار غزه را به هم پیوند می دهد. هفتم فبروری هم اندرو کوئین، خبرنگار واشینگتن آژانس رویتر، سوریه را محل مناقشه بین غرب و کشورهای عربی از یک سو، و روسیه و ایران از سوی دیگر خواند.

دستجات تروریستی شبه نظامی نیروی ضربت اصلی آنهایی به شمار می آیند که امروز سعی می کنند پس از لیبیا، سوریه را ویران سازند. در گزارش منتشره هیأت نمایندگی اتحادیه عرب در باره سوریه در جنوری ۲۰۱۲ که از سوی غرب نادیده گرفته شد، گفته می شود: «دولت سوریه تظاهرات مسالمت آمیز مردم را به طور سازمانیافته که

منجر به مرگ شود، سرکوب نمی کند ولی باندهای مسلحی وجود دارند که وسایل حمل و نقل مسافری، مؤسسات دولتی، پلها، وسایل ارتباطی و هر آنچه را که مستقیماً موجب مرگ شهروندان عادی بشود، منفجر می کنند.

پانویشت مترجم:

۱- این مقاله خبری- تحلیلی صرفاً محض خاطر آن گروه از احزاب، سازمانها و به طور کلی آن دسته از کسانی ترجمه شد که فریب شعارهای بشردوستی و دموکراسی خواهی دولتهای فاشیستی غرب و دست آموزان منطقه ئی آنها مثل دولتهای قطر، عربستان سعودی، کویت، اردن، حکومت نظامی مصر، اخوان المسلمین تونس و امثالهم را خورده و جنگ افروزیها، دسیسه ها و لشکرکشی های استعمارگران غرب به کشورهای مختلف را تحت عنوان «جنگ با تروریسم» توجیه می کنند.

۲- فاشیسم (Fascisme): معنای علمی این واژه عبارت است از نظام دیکتاتوری متکی به اعمال زور و ترور آشکار که توسط ارتجاعی ترین و متجاوزترین محافل امپریالیستی مستقر می شود. فاشیسم زائیده بحران عمومی سرمایه داری است. فاشیسم در مرحله ای از مبارزه شدید طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی پدید می گردد که سرمایه انحصاری دیگر قادر نیست سلطه خود را از طریق پارلمانی و شیوه های متعارف حکومت حفظ کند و لذا به استبداد و ترور، سرکوب خونین جنبش کارگری و هر جنبش دموکراتیک دیگر و نیز به عوامفریبی های گزافه گویانه متوسل می شود. فاشیسم سیاست و عمل خود را به ممنوع کردن احزاب کمونیست، سندیکاها و سایر سازمانهای مترقی، الغای کلیه حقوق و آزادیهای دموکراتیک و نظامی کردن دستگاه دولتی و همه حیات اجتماعی کشور همراه با عوامفریبی های «اجتماعی» و تبلیغات متکی بر تعصب ملی و نژادی و ادعای وحدت ملی و آشتی طبقاتی مبتنی می سازد. فاشیسم برای اجرای این مقاصد از دستجات ضربتی، قاتلان و عناصر وازده و اوباش نظیر اس اس ها در آلمان هیتلری و پیراهن سیاهان در ایتالیای موسولینی استفاده می کند. نژادپرستی و تئوریهای نظیر آن حربه های اساسی ایدئولوژیکی فاشیسم را تشکیل می دهد.

...

در معنای دقیق علمی خود، فاشیسم محصول امپریالیسم و حربه انحصارهاست، ولی در عین حال با توجه به شیوه های خاص اعمال دیکتاتوری و ترور، آمیخته با عوامفریبی، عبارت «حکومت فاشیستی» به نظامهای استبدادی دیگری هم که تمام مخالفان و آزادی خواهان و احزاب سیاسی را وحشیانه سرکوب می کنند و کلیه حقوق بشری و آزادیهای مدنی را از بین می برند نیز اطلاق می شود.

علاوه بر ارگانهای رسمی امنیتی و انتظامی دولتی، گروههای ضربتی ویژه تعلیم یافته و به سبک فاشیستی، همواره آماده عمل بر ضد میهن پرستانند.

نقل به تلخیص از کتاب واژه نامه سیاسی- اجتماعی، تألیف شهید زنده یاد هوشنگ ناظمی (امیر نیک آئین).

<http://www.fondsk.ru/news/2012/02/17/kto-vooruzhaet-bandu-svobodnaya-sirijskaya-armia.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/02/25>

۶ اسفند [حوت] ۱۳۹۰